

جایگاه قدرت نرم در مفهوم شناسی قدرت ملی با تاکید بر رویکرد دینی

قادر عبدالعلی پور^۱

چکیده

مفهوم قدرت ملی بعد از فروپاشی نظام دو قطبی دوران جنگ سرد و متعاقب آن، شکل گیری واحدهای سیاسی مستقل (دولت - ملت) نمود بارزتری یافته است. قدرت ملی، تعیین بخش اهداف و مصالح ملی هر واحد سیاسی است؛ بنابراین امروزه در عرصه سیاست جهانی، هرگونه تحولی در قدرت ملی، تحول در اهداف ملی را در پی خواهد داشت. لذا هدف از نگارش این مقاله بررسی جایگاه قدرت نرم در مفهوم شناسی قدرت ملی با تاکید بر رویکرد دینی است. در نوشتار حاضر نویسنده با استفاده از روش تحلیل محتوا و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، در صدد پاسخ به این سوال است که ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های دینی به عنوان رویکرد مهم قدرت نرم در بازشناسی و مفهوم‌شناسی قدرت ملی کدامند؟ به واکاوی مفهومی و نظری قدرت ملی بر اساس بررسی نظریه‌های داخلی و خارجی، به شناخت مؤلفه‌ها و شاخصه‌ها و ابعاد قدرت نرم با تاکید بر رویکرد دینی پرداخته شده است. در دهه‌های اخیر، گفتمان اصول‌گرایی دینی به عاملی مؤثر در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده است که بر اساس آن، «دیانت» در تسلسل و پیوند تنگاتنگی با «سیاست» و «قدرت» قرار گرفت است؛ به دیگر سخن، قدرت نرم با رویکرد دینی در عرصه روابط بین‌الملل سبب ساز برسازی فضای اندیشه ورزی و کشش‌گری جدید و متمایز گردیده است. این گفتمان، برجسته ساز این معناست که فرهنگ سازی از طریق تغییر در مبانی هنجاری مسلط پیشین و خلق معانی بدیع، می‌تواند منجر به استحاله‌ی اوضاع مادی جهانی شود. یافته پژوهش حاضر بیان می‌دارد که در عرصه قدرت نرم؛ رویکرد دینی، اثرگذارترین عامل بر قدرت ملی دولت‌ها، «اتحاد ملی» و اتحاد «انسانیت» انسان هاست. کلیدواژگان: قدرت ملی، قدرت نرم، رویکرد دینی، معنویت، اتحاد ملی.

۱. استادیار گروه نظامی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

rakhsh.1399@gmail.com

مقدمه

قدرت ملی از جمله مفاهیمی است که در اذهان، اندیشه و عمل ملت‌ها و حکومت‌ها اهمیتی فراوان دارد. قدرت زمانی جنبه ملی پیدا می‌کند که در یک جامعه یا ملت به آن نگریسته شود و برآیندی از تواناییهای مادی و معنوی آن ملت محسوب شود. این مفهوم بعد از پیدایش و شکل‌گیری دولت‌های ملی و از اروپا به سایر نقاط گسترش پیدا کرد (واثق و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷۹).

قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام دولت یا کشور وجود دارد. در تعریفی ساده، «قدرت ملی» عبارت است از ظرفیت‌های یک کشور در پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمدی. این تعریف از قدرت ملی، شامل دو بعد مجزا و در عین حال مرتبط به هم می‌شود؛ بعد اول، بعد خارجی است که به معنای ظرفیت یک کشور در اثرگذاری بر محیط بین‌الملل از طریق سازوکارهای اقتصادی و سیاسی و نظامی است. بعد دوم، بعد داخلی است که ظرفیت‌های یک کشور را در تبدیل منابع جامعه به دانش اجرایی در بر می‌گیرد. قدرت ملی، در ذات خود گرایش به بسط و گسترش دارد و دولت‌ها همواره در پی افزایش قدرت خود هستند تا از این طریق ثبات و امنیت را برای خود خلق کنند؛ بنابراین، هر دولتی که میزان و سطح قدرت ملی آن اندک و پایین باشد به حتم، جامعه‌ای ناامن و ناپایدار خواهد داشت؛ هم‌چنین، کاهش و ضعف قدرت ملی یک دولت، منافع ملی آن دولت را در داخل و خارج از مرزهای سیاسی به خطر می‌اندازد. (یزدان پناه و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴)

برخلاف نظریه‌های رایج و مرسوم، در جوامع و نظام‌های دینی، «معنویت» در تولید قدرت ملی نقش اساسی دارد و از این روی، شیوه‌های تولید قدرت ملی از جهات مختلف با شیوه‌های تولید قدرت در یک کشور غیردینی و غیرمعنوی متفاوت است. این تفاوت‌ها، عمدتاً به کارکردی متفاوت در قلمرو «قدرت ملی» در یک جامعه معنوی و ایمانی با یک جامعه غیردینی و ایمانی بر می‌گردد. اسلام یکی از ادیان توحیدی است که نگاهی خاص به قدرت دارد. از دیدگاه اسلام، منشأ قدرت خداست و خداوند در قرآن خود را قدرت مطلق و توانا به انجام هر امری معرفی می‌کند. طبق این نگرش، قدرت در دولت اسلامی، امانت الهی است و حاکم دولت اسلامی جانشین خداوند و پیامبر (ص) است؛ بنابراین، گفتمان دینی منادی این معنا و امر است که نظم

قدرت محور موجود جهانی، نظمی اصیل و ثابت نیست، بلکه احتمال تغییر در آن کاملاً مشهود است. (جوانی، ۱۳۸۷: ۳۲)

از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس ارزش ها و آرمان های دین مبین اسلام بنیاد گرفته است، مفهوم شناسی قدرت ملی در چنین فضایی اجتناب ناپذیر است؛ به عبارت دیگر، با توجه به اینکه ایران تنها منادی و پرچم دار واقعی و راستین حکومت دینی و اسلامی است، لزوم بررسی دقیق و همه جانبه این مفهوم از دیدگاه دین اسلام به منظور استفاده کارشناسان و نیز مقابله علمی با نظریه پردازان غربی در این حوزه کاملاً ضروری است.

این تحقیق جهت مرتفع سازی مشکل گذاری بودن جامعه ایران (یعنی کشاکش مستمر سه فرهنگ ملی و اسلامی و غربی)، تهدیدات فرامرزی و فقدان دانش بومی شده در قدرت ملی و عدم تبعیت مطلق از تجویزها و نظریه های غربی برای حل مشکلات و رسیدن به راهکارهای مطلوب از اهمیت ویژه ای برخوردار است و می تواند مبنایی برای پژوهش های آتی قرار گیرد؛ بنابراین، مقاله حاضر با هدف بررسی مفهوم قدرت ملی درصدد پاسخ گویی به این پرسش نگاشته می شود که «ابعاد و مؤلفه ها و شاخص های قدرت ملی از منظر رویکرد قدرت نرم با تأکید بر مباحث دینی کدامند؟» با توجه به این پرسش، این فرض تقریر می شود که مباحث دینی به عنوان مؤلفه های تأثیرگذار قدرت نرم دارای ابعاد و مؤلفه های متعدد و مؤثر بر قدرت ملی است.

پیشینه

بررسی پژوهش های صورت پذیرفته در مورد موضوع مورد نظر یا در باب قدرت ملی سبب می شود تا دانش و آگاهی اولیه در مورد موضوع به دست آید و کاستی های موجود در منابع پیشین شناسایی شود و تلاش گردد تا خلاهای پژوهشی موجود از طریق انجام دادن پژوهشی جدید، پوشش داده شود. با توجه به این امر، در زیر تلاش می شود تا برخی از منابع مربوط معرفی و تشریح گردند.

سید باقری (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان "ماهیت و مؤلفه های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم" به این نتیجه می رسد که قدرت سیاسی با لحاظ جنبه های اراده و آگاهی، مجموعه ای از عوامل مادی و معنوی است که باعث به اطاعت در آوردن فرد یا گروهی به وسیله

گروه یا فرد دیگری می شود. حال این مجموعه می تواند شامل سطوح و طیف گسترده ای از عوامل، منابع و ابزارهای مادی یا معنوی و مثبت یا منفی شود. هدف در این قدرت، رشد، هدایت، اجرای دستورهای خداوند، عدالت، آزادی و حفظ کرامت انسانی است؛ حال آنکه در نگرش مادی و غیرقرآنی، هیچ محدودیت و مهارکننده درونی در کسب قدرت وجود ندارد. در این مقاله ضمن اشاره به برخی از مؤلفه های مادی قدرت، مؤلفه های معنوی قدرت مانند عزت، علم، دانایی، وحدت، رهبر، امامت و ایمان مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران" به "بررسی مؤلفه های تاثیرگذار قدرت نرم بر قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران" می پردازد که مولفه های فرهنگی، وجهه بین المللی، دیپلماسی عمومی، موقعیت جغرافیایی، قومیت و نژاد، کمک های بشر دوستانه، حضور در مجامع بین المللی و... بر شمرده و نتیجه گرفته می شود که شاخص های قدرت نرم در بعد داخلی، اثرگذاری بالایی بر قدرت ملی داشته اند و شاخص های که در بعد فراملی اثرگذار هستند، عملکرد منفی بر قدرت ملی را نشان می دهند.

هابز (۱۹۹۱) در کتاب "قدرت ملی" می نویسد، زمینه های قدرت ملی حالتی متنی در خود دارد که می تواند فقط با بودن همه مؤلفه های قدرت ملی و وجود رابطه میان یکایک بازیگران این عرصه در شرایطی پیش بینی شده و امتحان شده به وقوع بپیوندد؛ در واقع، قدرت ملی نشان دادن قدرت نظامی به کشور های خارجی نیست، بلکه قدرت ملی استفاده منظم از ظرفیت های یک کشور برای رشد است.

میلر (۲۰۰۴) در مقاله ای تحت عنوان "مؤلفه های قدرت ملی" عوامل قدرت ملی را به ترتیب زیر بر می شمارند: (۱) دیپلماسی: که سنجش آن را کشورهای خارجی انجام می دهند و ارگان ناظر بر این سنجش سازمان ملل متحد است که سازمانی جهانی و بدون فعالیت های دولتی است. (۲) اقتصاد: این مولفه رابطه مستقیم با پول و تهیه کردن آن و سطح علاقه مندی استفاده از آن در شرایط بحرانی اقتصادی و افت و خیز های اقتصادی دارد. (۳) اطلاعات: این مؤلفه دامنه ای گسترده دارد که طی آن کشور ها برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز خود توسط سرویس های اطلاعاتی خود اقدام می کنند که این موضوع به جمع آوری اطلاعاتی همچون وضع معیشتی اقتصادی، اوضاع سیاسی، اوضاع فرهنگی و اوضاع نظامی کشور های مرتبط می

شود. ۴) قدرت نظامی و ارتش‌ها؛ این مؤلفه تحت امر مؤلفه اطلاعات است که کشورها برای قدرت‌نمایی ملی خود نیاز به مقایسه آن با سایر کشورها دارند و کشور‌های قدرتمند معمولاً از نظر نظامی از کشور‌های هم‌جوار خود قدرتمندتر هستند.

مبانی نظری

تعریف قدرت و انواع آن

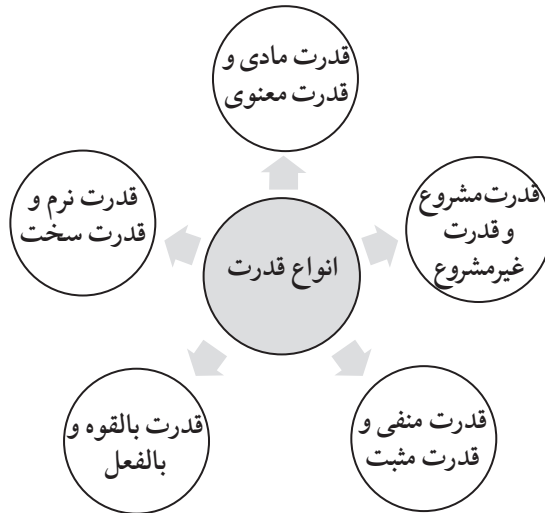
رابرت دال^۱ معتقد است: «قدرت توانایی فرد یا گروه در ترغیب دیگران به انجام کاری است که در غیر این صورت آنرا انجام نمی‌دادند» (Dahl, 1996: 39)؛ به عبارت دیگر، رابرت دال از تعریف قدرت به وضعیت یا کیفیت گذر کرده است و به تعبیر وی «قدرت رابطه‌ای میان بازیگرانی است که در آن بازیگری، دیگر بازیگران را به عملی‌وا می‌دارد که در غیر این صورت آن عمل را انجام نمی‌دادند. زمانی که قدرت را در چارچوب رفتار تغییر یافته دیگران تعریف کنیم باید ترجیحات آن‌ها را بشناسیم، در غیر این صورت ممکن است در فهم قدرت دچار اشتباه شویم؛ زیرا رفتار افراد و ملت‌ها و گروه‌ها تابع متغیرهای متعددی است که نگرش و باور و نظام ارزشی از جمله مهم‌ترین آن‌هاست.

واژه قدرت مترادف با مفاهیمی چون کنترل، اقتدار، فرمان، تسلط، اختیار قانونی و توانایی انجام قضاوت و داوری، به کار گرفته شده است (Gove, 1986: 1778). دستیابی به قدرت، دلیل اصلی رقابت‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و نیز شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر همین اساس نظم اجتماعی و روابط کشورها و انسان‌ها نیز شکل می‌گیرد. قدرت، توانایی یک بازیگر را در استفاده از منابع و امکانات در جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود نشان می‌دهد؛ از همین رو برخی قدرت را تعیین‌کننده‌ترین مؤلفه مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه بین‌المللی می‌دانند (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۲۹). پاتریک اُسولیان^۲ می‌گوید: «قدرت چیزی است که یک فرد یا گروهی از مردم را قادر می‌سازد که اقدامی درباره دیگران انجام دهد» (Sullivan, 1986: 77).

از نظر صاحب‌نظران قدرت انواعی دارد که به می‌توان در پنج گروه اصلی به آنها اشاره کرد:

1. Robert Dahl.
2. Patric O.Sullivan.

- الف) قدرت مادی و قدرت معنوی (دوئرتی و فالینز گراف، ۱۳۷۶: ۶۸).
 ب) قدرت مشروع و قدرت غیر مشروع: (مطهری نیا، ۱۳۷۸: ۱۴۶).
 ج) قدرت منفی و قدرت مثبت: (سنجابی، ۱۳۸۰: ۷۶).
 د) قدرت بالقوه و بالفعل
 هـ) قدرت نرم و قدرت سخت: (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۸۸)



رسم توضیحی ۱ انواع قدرت

قدرت ملی

قدرت ملی به عنوان مفهومی ژئوپولیتیکی^۱، صفت جمعی افراد يك ملت یا ویژگی کلی يك کشور را منعکس می کند که برآیند توانایی ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می شود. تعاریف متفاوتی از قدرت ملی وجود دارد که به ذکر چهار مورد از آن ها اکتفا می شود:

- قدرت ملی عبارت است از: تکامل و نفوذ بین المللی يك ملت هم در عرصه قدرت مادی و هم معنوی که ملت از آن برای بقاء و توسعه استفاده می کند (هانگ شوفن، ۱۹۹۲: ۱۰۲).

1. Geopolitic.

- قدرت ملی عبارت است از: «توانائی، قابلیت يك ملت و يك کشور برای استفاده از منابع مادی و معنوی خود با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی». (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۴۶)؛
- قدرت ملی عبارت است از توانائی های مادی و معنوی که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۷۳: ۷۰).
- تعریف مؤسسه رند از قدرت ملی عبارت از ظرفیت و قابلیت یک کشور برای تعقیب اهداف راهبردی خود از طریق سیاست های هدفمند است.

کارکردهای قدرت ملی

به طور کلی، قدرت کارکردهای گوناگونی دارد که فراهم آوردن اوضاع مناسب جهت تحقق و فعلیت یابی اهداف و تمایلات افراد و گروه ها و... را می توان محور اصلی آن دانست. چند مورد از مهم ترین قابلیت های کارکردی قدرت ملی از دیدگاه صاحب نظران عبارتند از:

۱. استفاده از منابع مادی و معنوی کشور با هدف اعمال اراده ملی و تحصیل اهداف و منافع ملی (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۳). ۲. مهم ترین کارکرد قدرت ملی کشورها، تأمین منافع ملی و حفاظت و بسط آن است. ۳. تضمین تأمین خواست ها و تمناهای ملت یا کشور. ۴. عامل بقاء و توسعه ملت و کشور. ۵. پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمدی از طریق تاثیر گذاشتن بر محیط بین المللی (در بعد بین المللی) و تبدیل منابع جامعه به «دانش اجرایی» که بهترین فناوری نظامی و غیر نظامی ممکن را تولید می کند. (در بعد داخلی) (اشلی و دیگران^۱، ۱۳۸۳: ۵۶).

کاربردهای قدرت ملی

قدرت ملی، که آن را «ماشین حکومتی» نیز می نامند، نیروی محرکه قدرتمندی است که از سوی جامعه به حکومت جهت انجام وظایف و رسالتی که عهده دار است، محول می گردد و حکومت ها از قدرت ملی برای نیل به اهداف ملی از دو جهت خارجی و داخلی استفاده می کنند. بعد خارجی: استفاده از قدرت ملی در مناسبات بین المللی و ارتباط با دیگر دولت ها

1. Ashley and others.

به منظور حفظ و ازدیاد منافع ملی با تحقق هدف های سیاست خارجی است. دولت ها برای نفوذ و تأثیرگذاری بر رفتار دیگر دولت ها معمولاً از روش های زیر بهره می گیرند: دیپلماسی یا مذاکره و اقناع، ترغیب و تشویق، تنبیه، جنگ روانی، جنگ اقتصادی، اقدامات شناخته شده قانونی، جنگ یا استفاده از قدرت نظامی. بعد داخلی: استفاده از اختیارات و یا اقتدار قانونی برای اداره یا مدیریت کشور از طریق قانون گذاری، امور اجرایی و تضمین حسن انجام قوانین و موازین.

منابع یا زیر بنای قدرت ملی: قدرت ملی از دو منبع به شرح زیر سرچشمه می گیرد؛ منابع فیزیکی یا ملموس: وضعیت جغرافیایی، شامل اندازه و شکل زمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت، عوارض طبیعی یا توپوگرافی، ظرفیت های صنعتی کشور، تجارت خارجی، سازمان و تشکیلات اداری، وضعیت نیروهای مسلح، خطوط مواصلاتی، ترابری، ارتباط و مخابرات.

منابع غیر ملموس: فرهنگ ملی و شیوه های زندگی، روحیه و همبستگی ملی، ویژگی های ملی، علوم و تکنولوژی، ایدئولوژی و اخلاق، خرد و رهبری (چگینی، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۱۵) که در اسلام نیز به وضوح به این موارد قدرت انگیز اشاره شده است.

انواع قدرت در اسلام

در اسلام خداوند متعال منشا تمامی قدرت هاست: *أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً*؛ (بقره: ۱۶۵) (به درستی که قدرت، همه برای خداوند است). هیچ قدرتی جز به مشیت الهی و جز از جانب او پدید نمی آید: *لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ*؛ (کهف: ۳۹) (هیچ قدرتی نیست مگر از خداوند). اسلام هیچ قدرت فی نفسه و بالذات دیگری را جز قدرت خداوند در عالم به رسمیت نمی شناسد. از نظر اسلام، خداوند قدرت را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و از ایشان به امامان معصوم (علیه السلام) و فقهای عادل تفویض کرده است. قدرت در اسلام به واسطه ی قدسیت منبع آن، امری مقدس است و با سلب قداست از آن نامشروع گردیده، «طاغوت» تلقی می شود و سرپیچی از آن به هر طریق ممکن واجب است: *«أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»* (نحل: ۳۶). رویکرد قرآن را در تمییز قدرت می توان به حد و مرزی که برای قدرت در نظر گرفته به دو نوع سخت (منفی) و نرم (مثبت) تقسیم نمود:

الف) قدرت سخت (منفی): که خود به ۴ نوع تقسیم می‌گردد:

- استفاده از قدرت تنبیه و زور (منفی) برای ترساندن (بازدارندگی): حفظ تمامیت ارضی و ایجاد امنیت از قدیمی‌ترین اهداف دولت و انگیزه اولیه تشکیل حکومت در تاریخ بشر بوده است، این مقصود با قدرت نظامی حاصل می‌شود. خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به ایجاد چنین قدرتی سفارش می‌کند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» - هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! (انفال: ۶۰)
- نفی هرگونه تبعیض در استفاده از قدرت تنبیه: آنچه جوامع را رنج می‌دهد، استفاده ی تبعیض گونه در بعضی موارد از قدرت پاداش و یا قدرت تنبیه است، به این معنا که پاداش‌ها و تنبیه‌ها به تناسب افراد- و نه به تناسب اعمال- در نظر گرفته شود. حضرت علی (ع) در نامه ای به یکی کارگزاران خاطی که متهم به خیانت در بیت المال شده بود، می‌نویسند: «به خدا قسم، اگر حسن و حسین آنچه را که تو انجام داده ای مرتکب شده بودند، با آنها صلح و آشتی نمی‌کردم!» (نهج البلاغه: نامه ۴۱)
- استفاده از قدرت تنبیه و زور به عنوان آخرین مرحله: آخرین حربه در به انقیاد کشاندن و تربیت، تنبیه و زور است، نه اولین راه؛ چون تربیت یکی از اهداف حکومت از دیدگاه نهج البلاغه است، تنبیه نیز از ابزار تربیتی می‌باشد، ولی ابزاری که در رتبه متأخر از ابزار دیگر قرار دارد؛ لذا وقتی از حضرت علیه السلام می‌خواهند که با دستگیر شدگان متهم به قتل عثمان برخورد جدی کند، می‌فرماید: «به زودی این امر را به مدارا اصلاح می‌کنم، مادامی که مدارا با آن ممکن است و هرگاه چاره ای نیابم از داغ و درفش به عنوان آخرین درمان استفاده خواهم کرد». (نهج البلاغه: خطبه ۱۶۷)
- استفاده از قدرت تنبیه و زور با آمیزه‌های رحمت و بخشش: در تربیت اسلامی آمیزه ی رحمت و رأفت و شدت و عذاب، برای ارائه ی یک تربیت متعادل با هم استفاده شده است،

به جهت این که استفاده ی تنها از قدرت زور و تنبیه، انسان ها و قدرت ها را به سوی استبداد می کشاند.

ب) قدرت نرم (مثبت): که این نوع قدرت به اقسام ذیل تقسیم بندی می گردد:

- قدرت معنوی اسلام: قرآن کریم آن جا که سخن از قدرت مثبت است، به عناصر معنوی قدرت اشاره می کند. مواجهه پیامبر (صلی الله علیه و اله) با مشرکان، منافقان اهل کتاب برحسب مواضعی که آنان در برابر مسلمانان داشتند، متفاوت بوده است؛ بنابراین، نمی توان شیوه واحدی در شرایط مختلف تصور کرد. در قرآن نیز در برخورد با مشرکان، منافقان مشاهده می کنیم که بر حسب مورد از روش های: تساهل، تسامح، صلح، تحمل با توجه به جنبه ایدئولوژیکی و یا تهاجم عملی و یا دعوت استفاده می شده است.

- قدرت تبلیغ و تالیف قلوب: پیامبر اسلام شیوه های متعددی را با توجه به اوضاع زمانی و مکانی خود برای ترغیب و تشویق به امر تبلیغ به کار می بردند. پیامبر (صلی الله علیه و اله) برای جذب افراد، به نیاز های روحی و روانی آنان توجه می کرد، خداوند نیز به این شیوه در قرآن تصریح نموده، یکی از موارد مصرف زکات را تالیف قلوب می داند: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» - «زکات ها مخصوص فقرا و مساکین و کارکنانی است که برای (جمع آوری) آن زحمت می کشند و کسانی که برای جلب محبتشان اقدام می شود، و برای (آزادی) بردگان، و (ادای دین) بدهکاران، و در راه (تقویت آیین) خدا، و واماندگان در راه؛ این، یک فریضه (مهم) الهی است؛ و خداوند دانا و حکیم است!» (توبه، ۶۰)

قدرت در نگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) و مقام معظم رهبری

حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) در کتاب شرح دعای سحر، به مناسبت شرح فرازی از این دعا که در آن به مفهوم قدرت اشاره شده، به بررسی تعریف آن پرداخته است. ایشان نخست، تعریف حکیمان را از قدرت بیان می کند که عبارت است از «كُونُ الْفَاعِلِ فِي ذَاتِهِ بِحَيْثُ إِنْ شَاءَ فَعَلَ وَإِنْ يَشَاءُ لَمْ يَفْعَلْ» (امام خمینی، ۱۳۷۴ ب: ۱۰۹) و به شرح آن پرداخته، می نویسد: «مشیتی که در قدرت الهی مد نظر قرار گرفته، جزء ذات مقدس الهی و بنابراین ازلی، ذاتی

و واجب، و عدم آن ممتنع است؛ زیرا واجب الوجود الذات واجب الوجود از جمیع جهات و حیثیات است.»

همچنین مفهوم قدرت ملی، ابعاد و مولفه های آن در بسیاری از بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری مورد تأکید و توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال ایشان فرموده اند: " اقتدار ملی که در حقیقت قدرت دولت است، دو پایه دارد: یکی ارتباط واقعی با خدا؛ یعنی کار برای خدا انجام گیرد و هیچ کس برای جهات مادی و مسائل شخصی آن را انجام ندهد. رکن دیگر توجه به مردم است که: «من كان لله كان الله له»، «من اصلح ما بينه وبين الله اصلح الله ما بينه وبين الناس»؛ اگر انسان رابطه‌ی خود با خدا را درست کرد، خداوند رابطه‌ی او با مردم را درست خواهد کرد..". (سال ۱۳۷۴، بیانات دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت بزرگداشت هفته‌ی دولت).

مبانی و سرچشمه‌های قدرت ملی

مفهوم شناسی قدرت از نگاه دینی نیاز دارد تا ما بتوانیم مقایسه‌ای بین نگاه‌های غیر دینی و منظر دینی به مفهوم قدرت ملی داشته باشیم. این مقایسه و بررسی اثرگذاری آنها بر یکدیگر موجب می‌شود تا بفهمیم سطح تاثیر گذاری مولفه‌های دینی قدرت ملی بر مولفه‌های رایج دانشگاهی به چه میزان است. برای این منظور مولفه‌های قدرت ملی از سه منظر مورد ارزیابی قرار گفتند:

۱. دیدگاه قرآن
۲. دیدگاه امام خمینی (رحمت الله) و مقام معظم رهبری
۳. دیدگاه دانشمندان

مولفه‌های مؤثر بر قدرت ملی از منظر قرآن کریم

طلیعه انقلاب دینی در جمهوری اسلامی ایران توانست به لحاظ فرهنگی، در روابط بین الملل، در جنبه‌های ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی، استقلال خواهی، استکبارستیزی، تقویت فرهنگ اصلاح طلبی در جنبش‌های جدید اجتماعی، فعالیت فکری، فرهنگ و اندیشه‌ای افزایش تعامل و تبادل فرهنگی بازخیزی و تحرک اسلام در عرصه‌های حیات اجتماعی، فرهنگ‌سازی برای

وحدت تمدن جهان اسلام، احیای نقش جنبش‌های آزادی‌بخش و گفتمان‌سازی سیاسی - فرهنگی تأثیر بگذارد (دهشیری، ۱۳۸۲: ۹۰). با توجه به این موارد در ادامه به برخی از مهم‌ترین عوامل و شاخصه‌های منحصر به فرد دینی که بر قدرت ملی اثرگذار هستند، می‌پردازیم:

- فرهنگ مقاومت و شهادت: فرهنگ شهادت‌طلبی به منزله یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم در بین مسلمانان به شمار می‌آید (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹). علی شریعتی در دو سخنرانی معروف خود با عنوان «شهادت و پس از شهادت» بیان کرده است: «هنگامی که حکام و قدرت‌های جابر و حاکم، مردم را با زور و تزویر خاموش می‌کنند، تنها انتخاب آگاهانه شهادت است که می‌تواند سکوت حاکم را شکسته و حاکم را مفتضح سازد. امام حسین (علیه السلام) می‌توانست سکوت کند؛ اما با شهادت راه خود را ادامه داد» (حسین‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱۰).

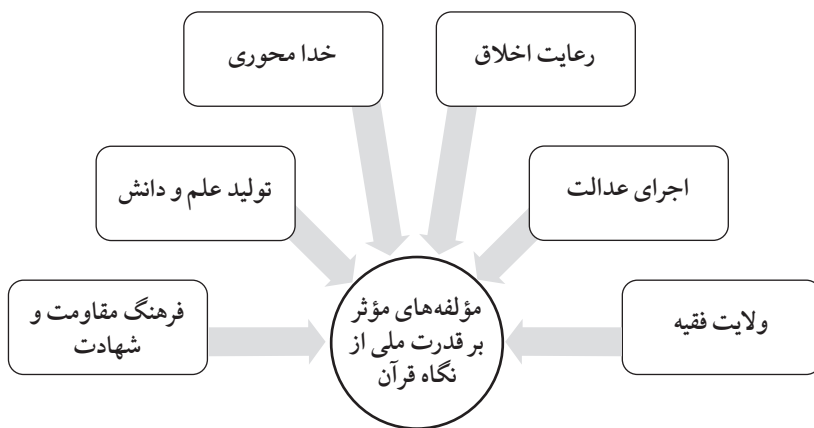
- تولید علم و دانش: یکی از مؤلفه‌های موثر بر قدرت ملی از نگاه دین، اهمیت تولید علم و دانش است. در اسلام به موضوع تعلیم و تعلم توجه زیادی شده است؛ به گونه‌ای که در قرآن بیش از ۱۵۰۰ مرتبه واژه‌های مرتبط با عقل، معرفت و اندیشه به کار رفته است. (بیگی، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

- خدامحوری: اتکا بر قدرت لایزال الهی که به معنای پذیرش ولایت، خواست و قدرت خداوند است، باعث تقویت قدرت نرم می‌شود: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره: ۱۶۵) «به درستی که همه قدرت‌ها مخصوص خداوند است» خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شورا: ۹) «آیا به راستی غیر از خدا اولیایی گرفته‌اند؟ در حالی که ولی مردم، تنها خداست». از این رو، آیات قرآن کریم و روایات، فی‌نفسه و بالذات هیچ قدرتی جز خدا را به رسمیت نمی‌شناسند؛ زیرا انتشار قدرت و اقتدار در اسلام، از رأس به ذیل است؛ یعنی اقتدار اصلی از خداست؛ بر خلاف دیدگاه‌های مادی که حاکمیت را اصالتاً از آن بشر می‌دانند (زرشناس، ۱۳۸۷: ۲۳).

- رعایت اخلاق: یکی از مؤلفه‌های دین‌مدارانه قدرت ملی در بعد ارزش‌های سیاسی، موضوع رعایت اخلاق است که در اسلام اهمیت والایی دارد. رابطه اخلاق و قدرت از منظر اسلام، رابطه تبیینی نیست؛ یعنی قائل شدن به این دیدگاه که سیاست با اخلاق قابل جمع نیست، مردود است؛ زیرا در اسلام، توجه به هر دو ضرورت دارد. (عالم، ۱۳۸۱: ۷۴).

- اجرای عدالت: برقراری عدالت به وسیله حاکمیت در جامعه موجب می‌شود مردم جذب آن حکومت شوند و از آن دفاع کنند. حاکمیت الهی که در زمان حضور معصوم (علیه السلام) اعمال می‌شود، در زمان غیبت به وسیله فقیهان جامع شرایط در مقام نواب عام آنان اعمال می‌شود و همه اختیارات حکومتی معصوم (علیه السلام)، برای ولی فقیه نیز ثابت است. (قربان زاده، ۱۳۸۶: ۸۷).

- ولایت فقیه: ولایت فقیه در اندیشه سیاسی شیعیان، در طول نبوت و امامت معصومان (علیه السلام) قرار می‌گیرد و لازمه عقیده به نبوت، امامت و اهداف بعثت پیامبران، حاکمیت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و در تداوم آن، امر ولایت فقیه است؛ بدین معنا که ولی فقیه در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام)، ادامه‌دهنده همان راه است و همه امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر و امامان معصوم (علیه السلام) مقرر شده است، برای ولی فقیه جامع شرایط نیز وجود دارد. امام خمینی (رحمت الله علیه) در این باره معتقد است: «امروز فقهای اسلام حجت بر مردم هستند. همان‌طور که حضرت رسول (صلی الله علیه و اله) حجت خدا بود و همه امور به او سپرده شده بود و هرکس تخلف می‌کرد، بر او احتجاج می‌شد، فقها از سوی امام (علیه السلام) حجت بر مردم هستند. همه امور و تمام کارهای مسلمانان به آنان واگذار شده است».



رسم توضیحی ۲ مؤلفه‌های مؤثر بر قدرت ملی از نگاه قرآن

مؤلفه های قدرت ملی از نگاه امام خمینی (رحمت الله علیه) و مقام معظم رهبری
 امام خمینی (رحمت الله علیه) اهداف ذیل را برای قدرت سیاسی قائلند: الف- برقراری نظم و امنیت، ب- برقراری و تأمین قسط و عدل (نجاتی، ۱۳۷۱: ۳۳۰) ج- تهذیب نفوس و تأمین سعادت انسان ها، د- کسب و نگهداشت قدرت سیاسی (صحیفه نور، ج ۲۲: ۱۰۴)
 همچنین مقام معظم رهبری در بیاناتی فرموده اند: "راز این اقتدار ملی و این قدرت بزرگ در چیست؟ در ایمان اسلامی، در تعبد اسلامی، در وحدت کلمه، در همراهی و همدستی و همدلی ملت و دولت و همکاری مسئولین با مردم. این، راز اصلی است. این را باید حفظ کنید". (سال ۱۳۷۱، دیدار با مردم چهارمحال و بختیاری).
 جمع بندی این دیدگاه ها در قالب مؤلفه های زیر در جدول ۱ ارائه شده است:

جدول ۱ مؤلفه های قدرت ملی از نگاه امام خمینی رحمت الله علیه و مقام معظم رهبری

مؤلفه های تقویت کننده	مؤلفه های اصلی از دیدگاه امام و رهبری
	برقراری نظم و امنیت
	برقراری و تأمین قسط و عدل
تعبد اسلامی	ایمان اسلامی
همکاری مسئولین با مردم	کسب و نگهداشت قدرت سیاسی
	وحدت کلمه
	تهذیب نفوس و تأمین سعادت انسان ها
	همدستی و همدلی ملت و دولت

سرچشمه های قدرت ملی از نگاه دانشمندان

مبادی و آبشخورهای متعدد و گوناگونی وجود دارد که در یک کارکرد جمعی به تولید قدرت ملی منجر می شود. عوامل اصلی شکل دهنده به قدرت ملی کشورها در حوزه های مختلفی قرار دارند. دانش ژئوپلیتیک که به بررسی و سنجش قدرت ملی کشورها می پردازد همه این عوامل را مورد توجه قرار می دهد. برخی از عوامل قدرت نقش اساسی و مبنائی دارند و برخی به طور ثانوی مطرح می شوند. عوامل قدرت ملی به صورت کمی و کیفی وجود دارند؛ یعنی متغیرهای هر یک از عوامل مزبور ممکن است جنبه کمی و یا کیفی داشته باشند. از آنجائی

که موضوع قدرت ملی مورد توجه و نظر جغرافی دانان، متخصصین ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی، متخصصین علوم سیاسی و روابط بین الملل، راهبرد نویس ها و سیاستمداران بوده است، هر یک از آن ها سعی نموده فهرست عوامل تأثیر گذار بر قدرت ملی را ارائه دهند که در بخش عمده‌ای از آنها اشتراك نظر وجود دارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۰) (جدول ۲)

جدول ۲: منابع، عوامل و عناصر مؤثر بر قدرت ملی از منظر دانشمندان

منبع	شاخص های بعد نرم (افزار) (کیفی)	شاخص های بعد سخت (افزاری) (کمی)	تعداد عوامل	نظریه پرداز
Jablonsky, 1997	سیاست اقتصادی، روابط اقتصادی، روحیه ملی، شکل حکومت، طرز تلقی، اداره کشور، اخلاق ملی، روحیه ملی، یکپارچگی ملی	موقعیت، توپوگرافی، تعداد جمعیت، منابع طبیعی، ظرفیت اقتصادی، تکنولوژی، نیروی نظامی	۱۷ عامل	دیوید جابلنسکی ^۱
عامری، ۱۳۷۶	صفات ملی، کیفیت دیپلماسی، کیفیت حکومت (رهبری نظامی و گرایشات جمعیتی)	موقعیت، منابع طبیعی، ظرفیت صنعتی، تکنولوژی نظامی، تعداد جمعیت	۸ عنصر	هانس مورگنتا ^۲
روشندل، ۱۳۷۴	کفایت سیاسی	اندازه جمعیت، توسعه اقتصادی	۳ عامل	ارگانسکی ^۳
سیف‌زاده، ۱۳۸۲	توسعه اقتصادی، تجانس نژادی، انسجام اجتماعی، ثبات سیاسی، روحیه ملی	مساحت، ماهیت مرزها، جمعیت، منابع طبیعی، قدرت مالی	۱۰ شاخص	اسپایکمن ^۴
Glasner, 1994	جمعیت (سطح آموزش، ترکیب ملت، علایق ملی)، اقتصاد (مهارت، مدیریت)، حکومت، ارتباطات، روابط خارجی	سرزمین و منابع، جمعیت (تعداد)، اقتصاد (ظرفیت تولید، سرمایه‌گذاری)، نیروی نظامی	۸ عامل	مارتین گلاسنر ^۵

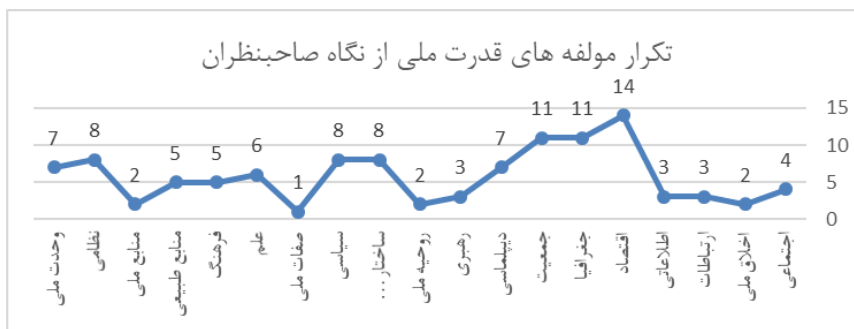
1. David Joblonsky.
2. Hons Morgenta.
3. Organsky.
4. Spaikman.
5. Martin Gelansner.

۱۳۷۶، عامری	کیفیت فرماندهی، وحدت ملی، دوستی قدرت‌های خارجی، کیفیت اخلاقی	جمعیت، وسعت سرزمین، ثروت، تأسیسات سیاسی	۸ عامل	اشتاین متز ^۱
ZHU, 2003	قدرت سیاسی، آموزشی و فرهنگی، دیپلماسی و اشتراک مساعی	-----	۴ عامل	هانگ سوفنگ ^۲
V.Uan- 1996 dyke,	ایدئولوژی سیاسی، سیستم جاسوسی و ضد جاسوسی	حکومت مرکزی قوی، سازمان اداری کارآمد، ارتباطات و حمل و نقل داخلی و خارجی	۵ عامل	وان دانگ ^۳
گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷	اطلاعاتی، دیپلماتیک	نظامی، اقتصادی	۴ عامل	گروه مطالعاتی
گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷	نیروی سیاسی بانفوذ (داخلی و بین‌المللی)، خصوصیت ملی، علم و ...	-----	۳ عامل	جان ام. کالینز ^۴
روشندل، ۱۳۷۴	فرهنگی (ایدئولوژی، وحدت ملی)، ساختار حکومت (شکل سیاسی، کارآیی)	عوامل جغرافیایی (آب و هوا، موقعیت و...)، انسانی (جمعیت، ترکیب و...)	۴ عامل	روشندل
کاظمی، ۱۳۷۳	استعداد علمی، سازمان اداری، موقعیت راهبردی، ایدئولوژی، اطلاعات و آگاهی، خرد رهبری	وضع جغرافیایی، جمعیت، ارتباطات، سیستم اقتصادی، ظرفیت تولید و تأسیسات نظامی	۱۲ عامل	علی اصغر کاظمی
Goldstin, 1999	فرهنگ سیاسی، وطن دوستی، علم و تکنولوژی	جمعیت، جغرافیا، منابع طبیعی	۶ عامل	جوشاگلد اشتاین ^۵
تهامی، ۱۳۷۴	فرهنگی و اجتماعی، سیاسی	اقتصادی (توسعه اقتصادی، استقلال اقتصادی و...) و نظامی	۴ عامل	تهامی

1. Stin Metz.
2. Huang Souofeng.
3. V.Uandyke.
4. John.M.cohines.
5. Josha Goldstein.

حافظ نیا	۹ عامل	اقتصادی، جغرافیایی، نظامی، فضایی	سیاسی، علمی، اجتماعی، فرهنگی، فرامرزی	حافظ نیا، ۱۳۸۵
اشلیتلیس ^۱ و همکاران	۳ عامل	منابع ملی (منابع مالی، منابع طبیعی)، توانایی نظامی	منابع ملی (خلافت و آموزش)، عملکرد ملی	تلیس و دیگران، ۱۳۸۳
۱۶ نفر	۱۰۸ عامل			

در مجموع دانشمندان و نظریه پردازان مختلف ۱۰۸ عامل را به عنوان مولفه های قدرت ملی بر شمرده اند. بسیاری از این مولفه از نظر مفهومی و کارکردی با یکدیگر مشابه هستند از این رو برای بررسی میزان تأکید و اهمیت مولفه پس از همسان سازی در قالب ۱۹ مولفه نهایی این شاخص ها از نظر اهمیت و تأیید در قالب نمودار ۱ بیان شدند.



رسم توضیحی ۳ تکرار مؤلفه های قدرت ملی از نگاه صاحب نظران

بررسی اثرگذاری مولفه های قدرت ملی از منظر قرآن بر سایر دیدگاه ها

بررسی اثرگذاری مولفه ها قدرت ملی از نگاه قرآن، امام و رهبری و دانشمندان می تواند به ما برای شناخت مولفه های مهم و اصلی با رویکرد دینی و غیر دینی کمک کند. برای این منظور بررسی اثرگذاری از دو جنبه انجام می شود:

- اول: شناخت مهمترین و اثر بخش ترین مولفه های قدرت ملی از منظر دینی میزان تاثیر گذاری این مولفه ها بر مولفه های بیان شده از سوی صاحب نظران دانشگاهی.
- دوم: شناخت وابستگی مولفه های غیر دینی قدرت ملی به مولفه دینی قدرت ملی

1. Slithilis.

جدول ۳ اثر گذاری ۶ مولفه دینی قدرت ملی بر ۱۹ مولفه های غیر دینی قدرت ملی را نشان می دهد. در این جدول مشخص شد که خدامحوری، ولایت فقیه و رعایت اخلاق به ترتیب بیشترین اثرگذاری را بر مولفه های غیر دینی قدرت ملی دارند.

جدول ۳: میزان اثرگذاری مولفه های دینی قدرت ملی بر مولفه های غیر دینی قدرت ملی

			۱۵ مولفه		
			اجتماعی		
			اخلاق ملی		
			ارتباطات		
			اطلاعاتی		
۱۲ مولفه		۱۰ مولفه	اقتصاد		
اجتماعی		اجتماعی	جمعیت		
ارتباطات		اخلاق ملی	دیپلماسی		۹ مولفه
اقتصاد		ارتباطات	رهبری	۸ مولفه	اجتماعی
دیپلماسی	۸ مولفه	اقتصاد	روحیه ملی	اجتماعی	اخلاق ملی
رهبری	اجتماعی	دیپلماسی	ساختار حکومت	ارتباطات	اقتصاد
روحیه ملی	اخلاق ملی	روحیه ملی	سیاسی	اطلاعاتی	اطلاعاتی
ساختار حکومت	روحیه ملی	سیاسی	صفات ملی	اقتصاد	دیپلماسی
سیاسی	ساختار حکومت	صفات ملی	علم	روحیه ملی	روحیه ملی
علم	سیاسی	فرهنگ	فرهنگ	ساختار حکومت	صفات ملی
فرهنگ	فرهنگ	منابع ملی	نظامی	علم	فرهنگ
نظامی	منابع ملی	وحدت ملی	وحدت ملی	نظامی	نظامی
وحدت ملی	وحدت ملی				
					فرهنگ مقاومت و شهادت
					ولایت فقیه
					اجرای عدالت
					رعایت اخلاق
					خدامحوری
					تولید علم و دانش

جدول ۴ میزان وابستگی هر یک از ۱۹ مولفه های غیر دینی قدرت ملی به ۶ مولفه دینی قدرت ملی را نشان می دهد. در این جدول مشخص شد که مولفه های اجتماعی و روحیه ملی، اقتصاد و فرهنگ به ترتیب بیشترین اثرپذیری از مولفه های دینی قدرت ملی را دارند.

جدول ۴: اثرپذیری مولفه های غیر دینی قدرت ملی از مولفه های دینی قدرت ملی

مولفه های غیر دینی قدرت ملی	مولفه های دینی قدرت ملی
اجتماعی	فرهنگ مقاومت و شهادت تولید علم و دانش خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت ولایت فقیه
اخلاق ملی	فرهنگ مقاومت و شهادت خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت
ارتباطات	تولید علم و دانش خدامحوری رعایت اخلاق ولایت فقیه
اطلاعاتی	فرهنگ مقاومت و شهادت تولید علم و دانش خدامحوری
اقتصاد	فرهنگ مقاومت و شهادت تولید علم و دانش خدامحوری رعایت اخلاق ولایت فقیه
جغرافیا	
جمعیت	خدامحوری
دیپلماسی	فرهنگ مقاومت و شهادت خدامحوری رعایت اخلاق ولایت فقیه
رهبری	خدامحوری ولایت فقیه
روحیه ملی	فرهنگ مقاومت و شهادت تولید علم و دانش خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت ولایت فقیه
ساختار حکومت	تولید علم و دانش خدامحوری اجرای عدالت ولایت فقیه
سیاسی	خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت ولایت فقیه
صفات ملی	فرهنگ مقاومت و شهادت خدامحوری رعایت اخلاق
علم	تولید علم و دانش خدامحوری ولایت فقیه
فرهنگ	فرهنگ مقاومت و شهادت خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت ولایت فقیه
منابع طبیعی	
منابع ملی	رعایت اخلاق اجرای عدالت
نظامی	فرهنگ مقاومت و شهادت تولید علم و دانش خدامحوری ولایت فقیه
وحدت ملی	خدامحوری رعایت اخلاق اجرای عدالت ولایت فقیه

روش شناسی تحقیق

گام نخست در پیوستن و نوشتن این تحقیق، جمع آوری داده ها به شیوه کتابخانه ای (اسنادی - اینترنتی) است؛ سپس و به منظور تجزیه و تحلیل منابع و داده ها از روش تحلیل محتوا استفاده

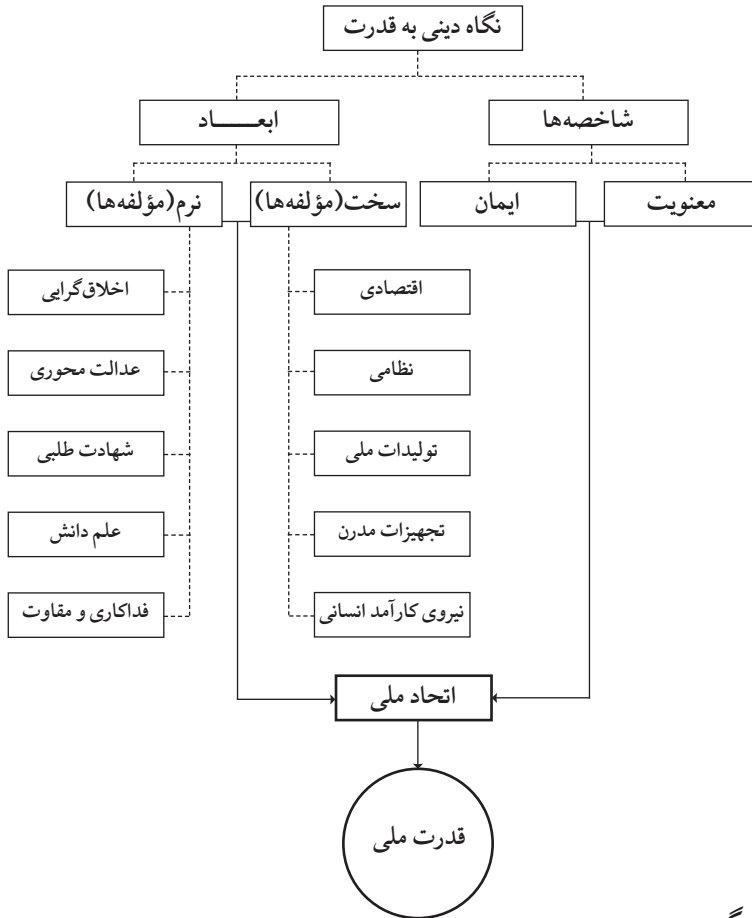
می شود. از نظر نوع، این تحقیق از نوع کاربردی است؛ زیرا از یک طرف نتایج آن می تواند مورد بهره برداری کارشناسان سیاسی و دینی قرار گیرد و در ارتقای قدرت ملی و به تبع آن، افزایش امنیت و منافع ملی ایران مؤثر واقع گردد و از طرف دیگر، مبنایی برای پژوهش های آتی باشد.

تجزیه و تحلیل

از دیدگاه دینی قدرت ملی هر کشوری در ایدئولوژی و باورهای فرهنگی و دینی نهفته است که بقای جامعه را در پی طوفان های روزگار حفظ کرده و آن را ایمن و مقتدر می سازد. خود باوری و خود آگاهی، عواملی هستند که ما را نسبت به هویت دینی و ملی خویش آشنا می کند تا در زیر یک پرچم، یک هویت و یک دین دست در دست هم به حیات معقول و منطقی خویش ادامه دهیم. اگر ملتی به خود باوری برسد و با درایت عقلی و علمی به رشد و شکوفایی نایل آید و از هویت دینی خود دفاع کند و عواملی را که مانع ایجاد یک ملت منسجم می شود از میان بردارد، آن وقت می تواند با آفت های آن مبارزه کرده و به بالندگی و توسعه و پیشرفت دست یابد. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). (ای مردم: ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. اینها ملاک امتیاز نیست. گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست و خدا دانا و آگاه است). این آیه که یک اتحاد ملی و انسجام اسلامی را در بر دارد کوبیدن تمام عواملی است که باعث تفرقه و جدایی می شود و انسان ها را از یک بدنه و پیکر می داند و ریشه های طبقاتی را می کوبد و انسان ها را به سوی قدرت مطلق هستی دعوت می کند. این آیه یک شعار جهانی است، جهت تکامل انسانی برای هر جامعه ای که به باورهای مذهبی و الهی اعتقاد دارند. اما در هر کشوری و ملتی و قومی یک سری از خرده فرهنگ ها و آداب و رسوم خاصی وجود دارد که با توجه به این عوامل تمام مردم، فرهنگ و آداب و رسوم خاص خود را با فرهنگ و ایدئولوژی و دین مشترك خود پیوند می دهند. اتحاد ملی در معنا و مفهوم، در قالب گزاره ها و موارد ذیل قابل تحلیل است:- بافت متن اتحاد ملی، بافتی اجتماعی- سیاسی است. - بافت موضوعی آن نیز همگرایی میان واحدهای انسانی، گروهی، جمعی و سازمانی است که می تواند رسالتی نهادی

را به همراه داشته باشد. - بافت موقعیتی اتحاد ملی نیز در مرزهای جغرافیایی تعریف شده در چارچوب ملت - دولت است، که نقطه عزیمت تجلی یا منزلگه بروز آن را باید در عرصه حیات اجتماعی - سیاسی دنبال و جست و جو کرد. - مفهوم اتحاد ملی در ادبیات سیاسی از دو ویژگی یگانگی درونی و پیوستگی بیرونی برخوردار است که در هر دو منظر، متوجه خط دوام و ثبوت وحدت در عرصه حیات جمعی جهت رسیدن به هدف یا اهداف تعریف شده فردی، اجتماعی و ملی پذیرفته شده است؛ از همین رو، یک ملت با حصول به یگانگی درونی و تسری آن به لایه های بیرونی در قالب پیوستگی های اجتماعی و بسط آن در تمامی عرصه ها، حوزه ها و بخشهای جامعه ملی می تواند به اتحاد ملی دست یابد. - وحدت، نقطه عطف و وجه پروتونی اتم اتحاد ملی را تشکیل می دهد، که در حول آن، وجه نوترونی وفاق آن را گسترش می دهد و سپس با پیوند با اتحاد در مقام وجه الکترونی آن، اتم سازنده حیات اجتماعی و سیاسی قدرتمند و قدرت ملی را حاصل می نماید. - یگانگی در ساحت حیات ملی، حالت فربه شده، گسترش یافته و تعمیق پذیرفته هویت ملی را به تصویر می کشد که از دالان وحدت و وفاق گذشته و در سرآورده خرد سیاسی استحکام پذیرفته است؛ از همین رو، باید اتحاد ملی را اتم قدرت ملی یک کشور دانست و میان مفاهیم یگانه گرایی، یگانگی شخصیت، یگانگی فرهنگی و یگانگی اجتماعی ارتباط وثیق و معناداری قائل بود؛ زیرا در یگانگی شخصیت، نظام شخصیتی خاصی ایجاد می شود که در پیوند با یگانگی فرهنگی به یگانگی اجتماعی می پیوندد. حاصل این یگانگی اجتماعی نیز دستیابی به قدرت ملی استحکام یافته ای است که بنیاد امنیت ملی، توسعه ملی و حصول به اهداف ملی تعریف شده یک ملت محسوب می گردد. به طور خلاصه قرآن کریم آثار یگانگی و اتحاد ملی را امنیت و آرامش، برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران، حفظ استواری و استحکام، و از همه مهم تر حفظ قدرت و هیمنه امت اسلامی می داند. گویا اتحاد و یگانگی مؤمنان در همه انواع و سطوح درونی و ملی، باعث حفظ این هیمنه خواهد بود و اگر مسلمانان بخواهند این هیمنه را در میان جهانیان و در گستره فرا ملی و بین المللی حفظ کنند، یگانه راه آن، پایبندی به این یگانگی و اتحاد است. نمودار زیر، ابعاد و شاخص ها و مؤلفه های قدرت ملی و نحوه ی تولید آن را از منظر دینی نشان می دهد.

نمودار شماره ۱: ابعاد، شاخصه‌ها، مؤلفه‌ها و تولید قدرت ملی از منظر دینی



نتیجه‌گیری

قدرت ملی، از بنیادی‌ترین مفاهیم علم سیاست است. میزان و سطوح و کیفیت این مفهوم، جایگاه و منزلت هر کشور را در پهن دشت روابط بین الملل و عرصه سیاست جهانی نمایان می‌سازد و تأمین منافع و اهداف دولت‌ها به قدرت ملی بستگی دارد. این مفهوم دارای مؤلفه‌ها و مشخصه‌ها و ابعاد گوناگون است و نگرستن به این موارد از دریچه‌های خاص و متفاوت؛ از جمله رویکرد دینی و غیر دینی، عناصر متفاوت و دگرگونی به آن می‌بخشد. پژوهش حاضر با رویکرد دینی - اسلامی به واکاوی مفهوم قدرت ملی می‌پردازد و از این منظر، بیان می‌

دارد که قدرت ملی از نگاه دینی و اسلامی دارای دو بعد سخت و نرم است. از جمله مهم ترین مؤلفه‌های بعد نرم قدرت ملی می‌توان به اخلاق، شهادت طلبی، علم‌گرایی، معنویت‌گرایی، ولایت فقیه و... اشاره کرد. قدرت اقتصادی، نظامی، تجهیزات مدرن، تولید ملی، نیروی انسانی کارآمد و فعال نیز در زمره ی مؤلفه‌های بعد سخت قدرت قرار می‌گیرند؛ هم‌چنین، نگرستن به قدرت ملی از منظر دینی - اسلامی، شاخصه‌های منحصر به فردی برای سنجش قدرت ملی در بعد نرم به دست می‌دهد که مهم ترین آن‌ها، ایمان و معنویت است که می‌تواند به منزله «اصل رهنما»، سرلوحه دستگاه سیاست خارجی دولت‌های اسلامی برای رسیدن به اهداف و امنیت و اقتدار ملی قرار گیرد. بررسی مفهوم قدرت ملی از وادی دینی نشان می‌دهد که مهم ترین عامل اثرگذار بر قدرت ملی دولت‌ها و برسازی بهینه ی آن، اتحاد ملی و اتحاد انسانیت انسان هاست؛ به عبارت دیگر، رویکرد دینی و اسلامی، قدرت ملی را بسته به اتحاد ملی و همبستگی اجتماعی می‌داند که در پرتو آن، یک دولت اسلامی می‌تواند به اهداف و منافع مطلوب خود دست یابد؛ در واقع، این رویکرد جهت‌گشایی و رهایی از بسیاری از مضایق و تنگناها، راهکارهایی عرضه می‌دارد که با کاربست آن‌ها و برخلاف نظریه‌های غیردینی، می‌توان به نتایج مطلوب و دل‌پسند دست یافت.

با توجه به این موارد برخی پیشنهادات را برای ارتقای قدرت ملی می‌توان به شکل زیر مطرح ساخت:

۱. کاربست اقدامات القایی و تقویتی؛ بر ساختن جامعه ای همبسته و متحد از طریق جامعه پذیری سیاسی و عطف توجه به مسایل آموزشی و تربیتی: در این شیوه، عوامل نهادی مسئول می‌توانند به القای اطلاعات و ارزش‌ها و شیوه‌های زیست دینی یا مؤلفه‌های دینی قدرت نرم مثل؛ خدا محوری و اخلاق‌گرایی و فداکاری و شهادت طلبی بپردازند و این مؤلفه‌های مهم را به حوزه ی ادراکی - شناختی افراد جامعه؛ به ویژه کودکان و جوانان وارد سازند و به تدریج به سمت نهادینه کردن و تبدیل آن به فرهنگ سیاسی کارا حرکت کنند؛ به عبارت دیگر، معرفت و ارزش‌ها و نگرش‌های افراد تا حدود فراوانی نتیجه‌ی فرآیند اجتماعی شدن است؛ بنابراین از طریق اجتماعی کردن تدریجی و پویای مؤلفه‌های دینی، می‌توان فرهنگ سیاسی و معرفت و ارزش و نگرش اتحاد محوران را تقویت و باز تقویت کرد و سپس شاهد پرورش اعضای کارآمد برای جامعه ی سیاسی و الگوهای رفتاری انسجام‌گرا و همبسته خیز و دفاع از این جامعه بود.

با آموزش و تربیت مستمر کودکان و نوجوانان، می توان آنان را به سمت مؤلفه های نرم قدرت ملی از منظر دین هدایت کرد و در نتیجه به جامعه ای همبسته و قدرت زا و منافع آور دست یافت؛ هم چنین در این فرآیند باید از «باز اجتماعی شدن» جوانان و کودکان از طریق برخی ارزش ها و هنجارهای فرهنگی مخرب و انزواگرایانه غربی و رویکردهای غیردینی جلوگیری کرد و از دگرگونی و تضعیف فرهنگ سیاسی اتحادمحور و انسجام بخش، ممانعت به عمل آورد.

۲. تاریخی گری/ احساسی گری؛ یعنی بازنمایی برخی حوادث و حماسه های هویت بخش مهم تاریخی؛ مثل حماسه ی عاشورا و جنگ تحمیلی و به حال آوردن گذشته جهت تقویت همبستگی و هویت جمعی و بسیج افراد که می تواند همواره در مدارس و مساجد و ... مطرح و ترسیم و بازترسیم شود؛ به عبارت دیگر، استفاده از قیام عاشورا و حماسه ی جنگ تحمیلی به عنوان نماد ظفرمندی دینی و اسلامی که مؤلفه های نرم قدرت دینی به وضوح در آن دخیل بوده اند.

۳. کاربست اقدامات حفاظتی؛ یعنی آگاهی و هوشیاری کامل نسبت به توطئه گری های دشمنان در سطوح داخلی و منطقه ای و بین المللی جهت خنثی سازی طرح های تفرقه انگیز و نفاق افکن آنان و عدم اجازه و ندادن فرصت به آنان برای بهره برداری کردن از شکاف های قومی و مذهبی موجود در جامعه ی ایران و فعال کردن خطوط گسل هویتی و مذهب پایه.

۴. تلاش برای برقراری حکمرانی خوب و عملگرایی کارآمد؛ کاهش فساد اقتصادی - سیاسی، افزایش مسئولیت پذیری و پاسخ گویی به مردم، القای حس شهروندی به افراد و رعایت حاکمیت قانون و شرع سبب می شود تا مردم نسبت به دولت خود وفادار بمانند و در نتیجه اتحاد میان ملت - دولت حادث شود. هم راستایی ملت و دولت به معنای سهولت در تأمین منافع و اهداف ملی خواهد بود.

منابع

۱. قرآن کریم با ترجمه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۱). ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳. افتخاری، اصغر و ناصر شعبانی (۱۳۸۹). قدرت نرم "نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه"، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۷). «تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری»، فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی، شماره ۲۷-۲۶.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ پورطاهری، مهدی و صادقی، علی (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تاکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۶۱، صص ۲۱۱-۱۹۱.
۶. تلیس، اشلی و دیگران (۱۳۸۳). سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۷. جوانی، یدالله (۱۳۸۷). «نقش معنویت در تولید قدرت ملی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۱۱، شماره ۳۹، صص ۶۸-۳۱.
۸. چگینی، حسن (۱۳۸۴). نظام مدیریت استراتژیک دفاعی، جلد ۱، تهران: نشر آجا.
۹. چهارآزاد، سعید (۹۹۳۱). «هویت ملی به مثابه قدرت نرم؛ اسلامیت، مدرنیته غربی و تدوین سیاست خارجی ایران (۴۸۳۱-۲۹۳۱)». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱(۱)، ۵۷-۱۴.
۱۰. خانجانی، قاسم (۱۳۹۸). «راه های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۹(شماره ۱)، ۳۰-۱.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۶). قدرت و منافع ملی (مبانی، مفاهیم و روش های سنجش)، چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ سوم، مشهد: انتشارات استان قدس رضوی.
۱۳. حسین زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید.

۱۴. دوئرتی جیمز وفالینز گراف، رابرت (۱۳۷۶). نظریه های متعارض در روابط بین الملل، جلد اول، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
۱۵. رضی بهابادی، بی بی سادات؛ بهادری، آتنا و پورکاوایان، زینب. (۱۳۹۹). «تحلیل مضمون آثار اقتدار ملی در بیانات آیت الله خامنه ای و مبانی قرآنی آن»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، ۲۴۷-۲۶۹.
۱۶. روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران: انتشارات سمت.
۱۷. زرشناس، شهریار (۱۳۷۸). اشاراتی درباره لیبرالیسم در ایران، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۱۸. سنجابی، علیرضا (۱۳۸۰). استراتژی و قدرت نظامی، تهران: نشر پاژنگ.
۱۹. سید باقری، سیدکاظم (۱۳۹۰). «ماهیت و مولفه های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم»، کتاب نقد، سال ۱۳، شماره ۶۰-۵۹، صص ۱۱۲-۶۸.
۲۰. عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۱). بنیادهای علم سیاست، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
۲۱. فتاحیان، محمد حسین (۱۳۹۹). «درآمدی بر اندیشه سیاسی آیت الله سید علی خامنه ای در تحقق جامعه اسلامی»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، ۵۱-۷۲.
۲۲. قربان زاده، قربانعلی (۱۳۸۶). روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۳. کاظمی، علی اصغر (۱۳۶۹). نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۲۴. گروه مطالعات امنیت (۱۳۸۷). تهدیدات قدرت ملی شاخص ها و ابعاد، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۵. مطهری نیا، مهدی (۱۳۷۸). تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین الملل، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. موسوی، سید سعید؛ نباتیان، محمداسماعیل؛ کلانتری، ابراهیم و حق گو، جواد (۱۳۹۹). «مرجع امنیت ملی در اندیشه ی فقهی آیت الله خامنه ای»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، ۹(۲)، ۱۳۱-۱۵۳.

۲۸. موسوی، سید صدرالدین (۱۳۹۹). «قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی: کاربست نظریه جوزف نای». فصلنامه مطالعات قدرت نرم، ۱۰(۱)، ۲۷۵-۳۰۵.
۲۹. نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران: رسا.
۳۰. نرم افزار حدیث ولایت.
۳۱. واثق، محمود؛ رضائی سکه روانی، داود و چناری، سمیرا (۱۳۹۶). «تاثیر اقلیت‌های فضایی بر قدرت ملی (با تأکید بر اقلیت‌های قومی)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۶۹۱-۶۷۵.
۳۲. یزدان پناه، کیومرث؛ صفوی، سیدیحیی؛ قالیباف، محمدباقر؛ پیشگاهی فرد، زهرا؛ شامانی، یاسر (۱۳۹۷). «محاسبه قدرت نظامی با استفاده از فرمول قدرت ملی کشورها»، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۶، شماره ۱۰۲، صص ۶۹-۴۳.
33. Dahl, Robert (1966). "Further reflections on the elitist theory of Democracy", American Political Science Review.
34. Gharehbahian, Morteza (2000). Anestimation of level of Development. Islamic Development Bank. 1421H.
35. Hobbes, Tomas (1991). "The book of national power" Strategic Research institute Washington DC.
36. Miller, John R (2004). Strategic Research Institute, Washington DC.
37. Gove. P. B. Webster & O Sullivan P)1986 (. Geopolitics. Croom Helm: London.
38. suofeng, Huang. (1992) Comprehensive National power studies. chinese Academy of social sciences press.
39. Webster, Merriam)1998 (. Third New International Dictionary.